



The Effect of Corporate Governance and Competition on Earnings Management in Iranian Banks

Gholamreza Karami 

Prof., Department of Accounting, Faculty of Accounting and Financial Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: ghkarami@ut.ac.ir

Salman Beik Boshrouyeh* 

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Accounting and Financial Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: salmanbeik@ut.ac.ir

Milad Asadollahi Ghohieh 

MSc. Student, Department of Accounting, Faculty of Accounting and Financial Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: milad.asadollahi@ut.ac.ir

Ali Mahmoudi 

PhD. Candidate, Department of Accounting, Faculty of Accounting and Financial Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: amahmoudi98@ut.ac.ir

Abstract

This study aims to investigate the simultaneous impact of corporate governance mechanisms and market competition structure on earnings management within the Iranian banking industry. Focusing on banks active in the Iranian capital market, the present research seeks to analyze the role of key corporate governance variables (including board independence and institutional ownership) and market competition indicators (including the Herfindahl-Hirschman Index and the Lerner Index) in explaining earnings management behavior. Furthermore, this study attempts to fill the existing gap in the literature by simultaneously examining these two dimensions in an emerging market and under the specific institutional conditions of Iran.

Citation: Karami, Gholamreza; Beik Boshrouyeh, Salman; Asadollahi Ghohieh, Milad & Mahmoudi, Ali (2026). The Effect of Corporate Governance and Competition on Earnings Management in Iranian Banks. *Accounting and Auditing Review*, 33(2), 420- 445. (in Persian)



Methods

The present research is descriptive-analytical and quantitative, employing an econometric panel data approach for the period from 2013 to 2024. The statistical population consists of 17 banks active in the Iranian capital market. The Modified Jones Model was used to measure earnings management. The independent variables included board independence, institutional ownership, the Herfindahl-Hirschman Index, and the Lerner Index. The control variables included asset growth, revenue growth, and return on assets. The model was estimated using the Estimated Generalized Least Squares (EGLS) method, and diagnostic tests, including the unit root, F-Limer, and Hausman tests, were conducted.

Results

Research findings indicated that board independence has a highly significant negative relationship with earnings management, such that an increase in board independence leads to a decrease in earnings manipulation. Furthermore, institutional ownership also exhibited a significant negative relationship with earnings management, indicating the effective monitoring role of institutional shareholders in constraining management's opportunistic behavior. From the market competition perspective, the Herfindahl-Hirschman concentration index (which reflects greater market concentration and lower competition) showed a significant positive relationship with earnings management, suggesting that banks operating in highly concentrated environments (with less competition) engage more extensively in earnings management. However, the Lerner index was not statistically significant. Among the control variables, firm growth demonstrated a significant positive relationship with earnings management, whereas return on assets (ROA) and the tangible assets ratio exhibited significant negative relationships with earnings management.

Conclusion

The present study demonstrates that the relationship between corporate governance, competition structure, and earnings management in the Iranian banking environment is largely influenced by monitoring mechanisms and the degree of market monopoly. Board independence and the presence of institutional investors jointly act as effective monitoring mechanisms and lead to a reduction in earnings management. Additionally, the results suggest that a decrease in competition (an increase in market concentration) creates a more favorable environment for earnings manipulation. These findings emphasize the importance for regulatory bodies to consider the simultaneous role of corporate governance and antitrust policies in enhancing financial transparency. It is recommended that future research provide a deeper understanding of these interactions in the Iranian context by considering moderating variables (such as audit quality or state versus private ownership structure) and separately investigating different types of earnings management.

Keywords: Iranian banks, Corporate governance, Panel data, Competition, earnings management.



اثر حاکمیت شرکتی و رقابت بر مدیریت سود در بانک‌های ایران

غلامرضا کرمی

استاد، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ghkarami@ut.ac.ir

سلمان بیک بشرویه*

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: salmanbeik@ut.ac.ir

میلاد اسدالهی قهیه

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: milad.asadollahi@ut.ac.ir

علی محمودی

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: amahmoudi98@ut.ac.ir

چکیده

هدف: این مطالعه با هدف بررسی تأثیر هم‌زمان سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ساختار رقابت بازار بر مدیریت سود در صنعت بانکداری ایران انجام شده است. پژوهش حاضر درصدد است تا با تمرکز بر بانک‌های فعال در بازار سرمایه ایران، نقش متغیرهای کلیدی حاکمیت شرکتی (شامل استقلال هیئت‌مدیره و مالکیت نهادی) و شاخص‌های رقابت بازار (شامل شاخص هرفیندال - هیرشمن و شاخص لرنر) را در تبیین رفتار مدیریت سود تحلیل کند. همچنین، این پژوهش در پی پرکردن شکاف موجود در ادبیات، از طریق مطالعه هم‌زمان این دو بُعد در یک بازار نوظهور و تحت شرایط خاص نهادی ایران است.

روش: پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و کمی است و از رویکرد اقتصادسنجی داده‌های پانل برای دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳ استفاده شده است. جامعه آماری شامل ۱۷ بانک فعال در بازار سرمایه ایران است. برای اندازه‌گیری مدیریت سود، از مدل جونز تعدیل شده استفاده شد. متغیرهای مستقل عبارت بودند از: استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت نهادی، شاخص هرفیندال - هیرشمن و شاخص لرنر. متغیرهای کنترلی نیز رشد دارایی‌ها، رشد درآمد و بازده دارایی‌ها در نظر گرفته شدند. برای برآورد مدل، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (EGLS) و برای آزمون‌های تشخیصی، از آزمون‌های ریشه واحد، F لیمر و هاسمن استفاده شد.

استناد: کرمی، غلامرضا؛ بیک بشرویه، سلمان؛ اسدالهی قهیه، میلاد و محمودی، علی (۱۴۰۵). اثر حاکمیت شرکتی و رقابت بر مدیریت سود در بانک‌های ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۳(۲)، ۴۲۰-۴۴۵.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰

doi: <https://doi.org/10.22059/acctgrev.2026.415007.1009270>

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۵، دوره ۳۳، شماره ۲، صص. ۴۲۰-۴۴۵

ناشر: دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد که استقلال هیئت‌مدیره با مدیریت سود، رابطه منفی و کاملاً معناداری دارد؛ به‌طوری که افزایش استقلال هیئت‌مدیره، به کاهش دست‌کاری سود منجر می‌شود. همچنین، مالکیت نهادی نیز با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری نشان داد که بیانگر نقش نظارتی مؤثر سهام‌داران نهادی در محدود کردن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت است. از جنبه رقابت بازار، شاخص تمرکز هرفیندال - هیرشمن که نشان‌دهنده انحصار بیشتر و رقابت کمتر است با مدیریت سود، رابطه مثبت و معناداری داشت؛ با این حال، شاخص لرنر فاقد معناداری آماری بود. از بین متغیرهای کنترلی، متغیر رشد شرکت رابطه مثبت و معنادار و متغیرهای بازده دارایی‌ها و نسبت دارایی‌های مشهود، رابطه منفی و معناداری با مدیریت سود نشان دادند.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه بین حاکمیت شرکتی، ساختار رقابت و مدیریت سود در محیط بانکی ایران تا حد زیادی تحت تأثیر درجه انحصار بازار است. استقلال هیئت‌مدیره و حضور سرمایه‌گذاران نهادی، به‌طور مشترک، به‌عنوان سازوکارهای نظارتی مؤثر عمل می‌کنند و به کاهش مدیریت سود منجر می‌شوند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که کاهش رقابت (افزایش تمرکز بازار) فضا را برای دست‌کاری سود مساعدتر می‌سازد. این یافته‌ها بر اهمیت توجه نهادهای قانون‌گذار به نقش هم‌زمان حاکمیت شرکتی و سیاست‌های ضد انحصار در افزایش شفافیت مالی تأکید دارند. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران در تحقیقات آتی با در نظر گرفتن متغیرهای تعدیلگر، مانند کیفیت حسابرسی یا ساختار مالکیت دولتی در برابر خصوصی و بررسی تفکیکی انواع مدیریت سود، درک عمیق‌تری از این تعاملات در محیط ایران ارائه دهند.

کلیدواژه‌ها: بانک‌های ایران، حاکمیت شرکتی، داده‌های پانل، رقابت، مدیریت سود.

مقدمه

با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی که بین مدیریت و سهام‌داران وجود دارد، سود گزارش‌شده شرکت‌ها اغلب تحت تأثیر تفسیر ذهنی مدیریت است. ارزش اطلاعاتی سود می‌تواند در نتیجه توانایی مدیریت در دست‌کاری آن برای به حداکثر رساندن منافع شخصی خود یا افشای اطلاعات خصوصی، تحت تأثیر قرار گیرد (ولالچ و لاک^۱، ۲۰۱۳؛ هانجرا، محمد و صبایی^۲، ۲۰۲۲). افراد درون‌سازمانی می‌توانند ذی‌نفعان را فریب دهند یا با تحریف عملکرد اقتصادی اعلام‌شده توسط شرکت، بر نتایج قراردادهای تأثیر بگذارند. دست‌کاری عملکرد مالی اعلام‌شده شرکت توسط افراد درون‌سازمانی، مدیریت سود نامیده می‌شود. هنگامی که رفتار فرصت‌طلبانه مدیران توسط طیف وسیعی از روش‌های نظارتی رصد می‌شود، سودهای حسابداری قابل‌اعتمادتر و سودمندتر هستند. نگرانی‌هایی در خصوص راهبری شرکتی در میان سرمایه‌گذاران، به‌عنوان نتیجه مستقیم افزایش شایان توجه تجدید ارائه سود و رسوایی‌های حسابداری، مانند موارد مربوط به ورلدکام^۳، انرون^۴ و نورثرن راک^۵، مطرح شده است. به‌عنوان پاسخ بالقوه به مسائل نمایندگی که از روابط موجود بین مدیران و مالکان ناشی می‌شود، ایده راهبری شرکتی در کانون توجه نویسندگان و دانشگاهیان بسیار زیادی قرار گرفته است (ولالچ و همکاران، ۲۰۱۸؛ هانجرا، پروین، لی، چانی و محمود^۶، ۲۰۲۰). سرمایه‌گذاران از هم‌راستا شدن اولویت‌های مدیران با سهام‌داران، افزایش دقت داده‌های حسابداری و حفظ یکپارچگی داده‌ها، به‌واسطه ویژگی‌های راهبری شرکتی بهره‌مند می‌شوند. سازوکارهای راهبری مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و سیاست‌هایی هستند که نحوه اداره و مدیریت شرکت را کنترل می‌کنند. این سازوکارها برای حفاظت از منافع سهام‌داران وجود دارند. سازوکارهای راهبری شرکتی همچنین به‌عنوان راهبری هیئت‌مدیره نیز شناخته می‌شوند (ولالچ و همکاران، ۲۰۱۴؛ هانجرا و همکاران، ۲۰۲۰؛ هانجرا، حنیف، محمود و نگوین^۷، ۲۰۲۱). ایجاد چارچوبی برای کارآمدی بیشتر سازمان‌دهی شرکت و همچنین کنترل آن، یکی از اهداف اصلی راهبری شرکتی خوب است. بهبود عملکرد سازمان که در نهایت به خلق ارزش برای سرمایه‌گذاران منجر می‌شود، با نظارت دقیق بر آن و تفویض وظایف به مالکان، مدیران و اعضای هیئت‌مدیره حاصل می‌شود (آبراهام، مارستون و جونز^۸، ۲۰۱۵؛ هانجرا، نعیم، نور و سالیمن^۹، ۲۰۱۶).

مطالعات گذشته نشان می‌دهد که راهبری شرکتی در نظارت بر فعالیت‌های مدیران، به‌علاوه نظارت بر هرگونه رفتار فرصت‌طلبانه، نقش مهمی ایفا می‌کند. در نتیجه، سیستم‌های راهبری شرکتی قادر خواهند بود هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند (سائز گونزالس و گارسیا مکا^{۱۰}، ۲۰۱۴). هیئت‌مدیره یک سازوکار مهم راهبری شرکتی است که مسئول هم‌راستا کردن منافع سرمایه‌گذاران و مدیران و کاهش مشکلات ذاتی نمایندگی است (آبراهام و همکاران، ۲۰۱۵؛ هانجرا

1. Wellalage and Locke

2. Hunjra, Muhammad & Sebai

3. WorldCom

4. Enron

5. Northern Rock

6. Hunjra, Perveen, Li, Chani & Mehmood

7. Hunjra, Hanif, Mehmood & Nguyen

8. Abraham, Marston & Jones

9. Hunjra, Naeem, Noor & Saleem

10. Saenz Gonzalez and García-Meca

و همکاران، ۲۰۱۶). این مسئولیت، هیئت‌مدیره را در محوریت راهبری شرکتی قرار می‌دهد. به‌گفتهٔ جنسن^۱ (۱۹۸۳)، هیئت‌مدیره در راهبری شرکتی، به‌ویژه در نظارت بر فعالیت‌های مدیریت ارشد، نقش حیاتی ایفا می‌کند. در نتیجه، هدف این تحقیق بررسی نقش راهبری است که هیئت‌مدیره در کاهش مدیریت سود ایفا می‌کند.

نظام تأمین مالی در اقتصاد ایران، یک نظام بانک‌محور است و بانک‌ها به‌عنوان شریان اصلی واسطه‌گری مالی، در تخصیص منابع نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کنند. با وجود این، ماهیت خاص عملیات بانکی، ساختار سرمایه با اهرم مالی بسیار بالا و وجود اقلام تعهدی پیچیده، این صنعت را به‌شدت در معرض عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه، رفتارهای فرصت‌طلبانه نظیر مدیریت سود قرار داده است.

ممکن است در نگاه اول، پیچیدگی‌های گزارشگری مالی در صنعت بانکداری یک چالش پژوهشی به نظر برسد؛ اما دقیقاً همین پیچیدگی و تأثیر مستقیم شفافیت مالی بانک‌ها بر ثبات کل سیستم اقتصادی کشور، ضرورت بررسی موشکافانه کیفیت سود را در این بخش دوجندان می‌سازد. علاوه‌براین، ساختار خاص رقابتی در شبکهٔ بانکی کشور، بستر منحصربه‌فردی را برای آزمون اثرگذاری شاخص‌های ساختار بازار (مانند تمرکز) و قدرت بازار بر رفتارهای گزارشگری مدیریت فراهم می‌آورد. از این رو، تمرکز بر این صنعت، نه تنها به غنای ادبیات کیفیت سود کمک می‌کند، بلکه نتایج آن می‌تواند برای نهادهای ناظر (به‌ویژه بانک مرکزی) در راستای تدوین مقررات احتیاطی و ارتقای شفافیت اطلاعاتی راه‌گشا باشد.

به همان اندازه که راهبری شرکتی در اطمینان از کنترل اوضاع در نبود رقابت ضرورت دارد، در جلوگیری از سوءرفتار مالی در بازارهای بسیار متمرکز، شکست خورده است. شرکت‌ها ممکن است در صورت رقابتی بودن صنعت خود که با تمرکز بازار ارزیابی می‌شود، بیشتر درگیر مدیریت سود شوند. سه دلیل اصلی برای این امر وجود دارد: اول، رقابت کمتر بین شرکت‌ها در چنین بازارهایی، احتمال اینکه حداقل یک شرکت آماده ارائه اطلاعات صادقانه به سرمایه‌گذاران باشد را کاهش می‌دهد و بنابراین احتمال اینکه سایر شرکت‌ها حساب‌های خود را تحریف کنند، بیشتر می‌شود (گنتزکو و شاپیرو^۲، ۲۰۰۸). دوم، کاهش رقابت برای منابع مالی در بازارهای متمرکز، نیاز شرکت‌ها به ارائه اطلاعات بیشتر برای به حداقل رساندن هزینه سرمایه خود را کاهش می‌دهد. در نتیجه، مدیران کمتر تمایل دارند تا تلاش کنند؛ زیرا نمی‌خواهند با رقبای خود مقایسه شوند. تحقیقات نشان داده است که مدیریت سود با قدرت قیمت‌گذاری در بازار محصول و رقابت بازار مرتبط است که این امر اهمیت ویژه‌ای دارد. به‌گفتهٔ داتا، اسکندر داتا و سینگ^۳ (۲۰۱۳)، شرکت‌هایی با قدرت بازار کمتر، در افزایش قیمت محصولات خود در پاسخ به افزایش هزینه‌ها با مشکل بیشتری روبه‌رو هستند و از این رو، نمی‌توانند این هزینه‌ها را به مشتریان منتقل کنند. به همین دلیل، این کسب‌وکارها بیشتر درگیر مدیریت سود می‌شوند. به‌گفتهٔ مارکاریان و سانتالو^۴ (۲۰۱۴)، افزایش رقابت در بازار، مدیریت سود تهاجمی‌تر را توسط شرکت‌ها برای همگام شدن با پیش‌بینی‌های تحلیلگران ضروری می‌سازد. زمري، رحمان و عیسی^۵ (۲۰۱۳) دریافتند که سرمایه‌گذاران جذب

1. Jensen

2. Gentzkow and Shapiro

3. Datta, Iskandar-Datta & Singh

4. Markarian and Santalo

5. Zamri, Rahman & Isa

شرکت‌های در حال رشد می‌شوند؛ زیرا بازدهی بیشتری را ارائه می‌دهند. با این حال، اگر یک شرکت نتواند انتظارات رشد خود را برآورده کند، سهام‌داران ممکن است کاهش ارزش سهام آن را مشاهده کنند. در نتیجه، شرکت‌هایی که در حال گسترش سریع هستند، ممکن است به‌دست‌کاری نتایج خود برای افزایش یا کاهش موقت سود فعلی خود برای رسیدن به یک هدف مشخص متوسل شوند.

از سوی دیگر، شرکت‌های فعال در بازارهای بسیار متمرکز، ممکن است کمتر درگیر مدیریت سود باشند. سه دلیل اصلی برای این امر وجود دارد: بازارهای متمرکز به دلیل اندازه کوچک‌تر خود، قدرت قیمت‌گذاری قوی‌تری نسبت به بازارهای غیرمتمرکز دارند. از آنجا که چنین شرکتی می‌تواند شوک‌های هزینه نامطلوب را بدون توسل به مدیریت سود منتقل کند، انتقال شوک‌های هزینه به مشتریان برای آن بسیار ساده‌تر خواهد بود (بوبر، صفر و ساسی^۱، ۲۰۱۸؛ بوبر، دنگ و ساسی^۲، ۲۰۲۲). بازارهای متمرکز درجه رقابت کمتری دارند که این امر اهمیت حفظ اطلاعات خصوصی که ممکن است به جایگاه رقابتی آن‌ها آسیب بزند را کاهش می‌دهد (شی، دیویدسون و دادالت^۳، ۲۰۰۳). به این سه دلیل، شرکت‌ها در بازارهای بسیار متمرکز نیاز کمتری به حفظ مزیت رقابتی نسبت به رقبای خود برای بقا یا فرار از تهدید تصاحب دارند (شلیفر^۴، ۲۰۰۴).

برای سال‌ها، ویژگی‌های هیئت‌مدیره ابزارهای سودمندی برای به حداقل رساندن مدیریت سود در نظر گرفته شده‌اند (سائونا، مورو و آلوارادو^۵، ۲۰۲۰؛ ولالج و همکاران، ۲۰۱۴؛ هانجرا، محمود و تایاچ^۶، ۲۰۲۰؛ هانجرا و همکاران، ۲۰۲۱). با این حال، میزان تمرکز صنعت می‌تواند دو اثر متفاوت بر تأثیر آن داشته باشد. راهبری شرکتی در صنایع متمرکز تأثیر تعدیل‌کننده بزرگی دارد؛ زیرا می‌تواند جایگزین نبود اقتدار انضباطی رقابت شود (ژیروود و مولر^۷، ۲۰۱۱؛ گرابینسکی و ویوتوویچ^۸، ۲۰۲۲). در نتیجه تحریف بیشتر و اطلاعات نامتقارن در بازارهای متمرکز، اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره ممکن است در نظارت بر اقدامات مدیران با مشکل بیشتری مواجه شوند (علی، کلاسا و یونگ^۹، ۲۰۱۴). افزایش قدرت مذاکره مدیران در شرکت‌هایشان که به آن‌ها اختیار بیشتری در تصمیم‌گیری می‌دهد، نیز ممکن است این تأثیر را کاهش دهد (چنگ، من و یی^{۱۰}، ۲۰۱۳). در نتیجه کاهش رقابت، مدیران روی حرفه خود در بازارهای متمرکز کنترل بیشتری دارند (بوبر و همکاران، ۲۰۱۸).

شرکت‌ها در سراسر جهان، در نتیجه تحریف صورت‌های مالی سقوط کرده‌اند. فرایندهای راهبری شرکتی قوی و استانداردهای حسابداری سخت‌گیرانه در چندین کشور برای حفاظت از قابلیت اتکای صورت‌های مالی اجرا شده‌اند. نگرانی‌های مطرح‌شده در بالا، از منظر کشورهای در حال توسعه آسیایی نیز به همان اندازه مربوط هستند. چشم‌انداز

1. Boubaker, Saffar & Sassi

2. Boubaker, Dang & Sassi

3. Xie, Davidson & DaDalt

4. Shleifer

5. Saona, Muro & Alvarado

6. Hunjra, Mehmood & Tayachi

7. Giroud and Mueller

8. Grabinski and Wojtowicz

9. Ali, Klasa & Yeung

10. Cheng, Man & Yi

گزارشگری مالی در کشورهای نوظهور، از صداقت و شفافیت کمتری برخوردار است. همچنین، کیفیت ضعیف گزارشگری مالی با دخالت سیاسی و سیستم‌های ناکافی راهبری شرکتی مرتبط بوده است (آندایانی و داود^۱، ۲۰۲۰). راهبری شرکتی ضعیف و رقابت شدید، اکثر اقتصادهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای آسیایی را درگیر کرده است (مانگالا و سینگلا^۲، ۲۰۲۱؛ هازاریکا، کارپوف و ناهاتا^۳، ۲۰۱۲). تعداد فزاینده‌ای از مطالعات، کیفیت ضعیف گزارشگری مالی را به راهبری شرکتی ناکارآمد مرتبط کرده‌اند. از سوی دیگر، در چندین مطالعه نشان داده شده است که راهبری شرکتی قوی، تأثیر مطلوبی بر گزارشگری مالی دارد (لین و هوانگ^۴، ۲۰۱۰).

بررسی هم‌زمان حاکمیت شرکتی و رقابت در یک مدل، این امکان را فراهم می‌آورد تا دریابیم کدام یک از این دو سازوکار (درونی یا بیرونی) در محیط بانکی ایران اثرگذاری بیشتری بر کاهش مدیریت سود دارند. حذف یکی از این دو، باعث ایجاد «خطای متغیر حذف‌شده می‌شود؛ چرا که اثر رقابت بدون کنترل سازوکارهای درونی بانک‌ها (حاکمیت شرکتی) ناقص خواهد بود و برعکس.

برخلاف بیشتر پژوهش‌ها، مانند مرادزاده‌فرد، ناظمی اردکانی، غلامی و فرزانی (۱۳۸۸)، اسلام‌دوست، رنجبرناوی و چناری (۱۴۰۰)، مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) و فخاری و یوسفعلی‌تبار (۱۳۸۹) که تنها به یک جنبه (حاکمیت شرکتی) پرداخته‌اند، این پژوهش با استفاده هم‌زمان از شاخص تمرکز هرفیندال – هیرشمن (رویکرد ساختاری) و شاخص لرنر (رویکرد رفتاری)، تصویر جامع‌تری از اثرگذاری ساختار بازار بر مدیریت سود در شبکه بانکی ارائه می‌دهد. همچنین شکاف موجود در ادبیات را پر می‌کند و به‌بدنه تحقیقات موجود می‌افزاید.

در این مقاله، تأثیر حاکمیت شرکتی و رقابت بر مدیریت سود، در قالب فرضیه‌های زیر بررسی شده است:

فرضیه ۱: راهبری شرکتی بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۱ الف: استقلال هیئت‌مدیره بر مدیریت سود، به‌طور معناداری تأثیر می‌گذارد.

فرضیه ۱ ب: مالکیت نهادی بر مدیریت سود، به‌طور معناداری تأثیر می‌گذارد.

فرضیه ۲: رقابت در سطح شرکت‌ها بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۲ الف: رقابت اندازه‌گیری شده با شاخص هرفیندال – هیرشمن بر مدیریت سود، به‌طور معناداری تأثیر

می‌گذارد.

فرضیه ۲ ب: رقابت اندازه‌گیری شده با شاخص لرنر بر مدیریت سود، به‌طور معناداری تأثیر می‌گذارد.

مبانی نظری

رویکرد چندنظریه‌ای می‌تواند برای توضیح طیف وسیع نمونه‌های مدیریت سود استفاده شود؛ زیرا هیچ نظریه واحد مورد توافقی وجود ندارد که راهبری شرکتی را به مدیریت سود مرتبط کند (هوس، هاسکیسون، زاتونی و ویگانو^۵، ۲۰۱۱).

1. Andayani and Daud
2. Mangala and Singla
3. Hazarika, Karpoff & Nahata
4. Lin and Hwang
5. Huse, Hoskisson, Zattoni & Viganò

رویکرد چندنظریه‌ای پژوهش حاضر همچنین در جهت پاسخ به پیشنهادهای اخیر برای ارائه این دیدگاه در تحقیقات راهبری شرکتی و مدیریت سود است (الغویل، نتیم، اوپونگ و آویسون^۱، ۲۰۱۷). یک نظریه واحد ممکن است قادر به ارائه درک کاملی از چگونگی تأثیرگذاری استراتژی‌های مختلف راهبری شرکتی بر اقتصاد نباشند. با این حال، دیدگاه چندنظریه‌ای می‌تواند بینش منحصربه‌فردی را در تفسیر مدیریت سود در زمینه‌های نظارتی و نهادی متنوع ارائه دهد (الامر، نتیم، عبدو، زلاتا و الماگری^۲، ۲۰۱۹؛ الزاقبه، انیزه، حسین و البوات^۳، ۲۰۲۲؛ نورمانسیاه^۴، ۲۰۲۲؛ الکبسی، تیان، گارفالاکیس، کوتوپیس و کیریاکوکوناس^۵، ۲۰۲۲). در مجموع، بینش‌های حاصل از نظریه‌های نمایندگی^۶، مباشرت^۷، وابستگی به منابع^۸، عدم تقارن اطلاعاتی^۹ و علامت‌دهی مدیریتی^{۱۰}، می‌تواند به بهبود رویه‌های کیفیت راهبری شرکتی رقابت، در درک بسیاری از دلایل مشارکت در مدیریت سود از این دیدگاه کمک کند. به‌طور خاص، شرکت‌ها ممکن است به دلایل نظری مختلفی مجبور به کاهش مدیریت سود شوند: نظریه نمایندگی پیش‌بینی می‌کند که شفافیت بیشتر در فرایند گزارشگری مالی، از سازوکارهای موفق راهبری شرکتی حاصل می‌شود. نتیجه این است که به حداقل رساندن مدیریت سود، ممکن است اختلاف‌های بین مدیریت و سهام‌داران و همچنین عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد (جنسن و مک‌لینگ^{۱۱}، ۱۹۷۶). همچنین، طبق ادبیات نظریه علامت‌دهی، شرکت‌ها ممکن است مدیریت سود را به‌عنوان راهی برای اعلام کیفیت گزارشگری خود به سرمایه‌گذاران کاهش دهند (کانلی، سرتو، ایرلند و روتزل^{۱۲}، ۲۰۱۱). نظریه‌های نمایندگی و علامت‌دهی، از سوی دیگر، تمایل دارند که بیشتر بر مدیریت و مالکان تمرکز کنند و از سایر ذی‌نفعان، مانند جامعه محلی، غافل می‌شوند. دیدگاه نظریه مباشرت و ذی‌نفعان نشان می‌دهد که به حداقل رساندن مدیریت سود، ممکن است یک استراتژی راهبردی برای تقویت مشروعیت آن‌ها و همکاری با ذی‌نفعان مهم باشد (پیتروف^{۱۳}، ۲۰۱۴؛ الزاقبه و همکاران، ۲۰۲۲؛ نورمانسیاه، ۲۰۲۲؛ الکبسی و همکاران، ۲۰۲۲).

مشکل دیگر نظریه ذی‌نفعان این است که مهم‌ترین ذی‌نفعان شرکت را شناسایی نمی‌کند که این امر توضیح ناهماهنگی‌های آشکار در مدیریت سود شرکت را دشوار می‌سازد. طبق مفهوم وابستگی به منابع، کاهش مدیریت سود می‌تواند دسترسی شرکت‌ها به منابع حیاتی، مانند سرمایه و قراردادهای فراهم کند (الغویل و همکاران، ۲۰۱۷).

پیشینه تجربی پژوهش

اصطلاح «شرکت» مبهم است و هیچ تعریف مورد توافق واحدی برای آن وجود ندارد. راهبری شرکتی توسط محققانی

1. Elghuweel, Ntim, Opong & Avison
2. Elamer, Ntim, Abdou, Zalata & Elmagrhi
3. Al-Zaqeba, Ineizeh, Hussein & Albawwat
4. Nurmansyah
5. Alkebsee, Tian, Garefalakis, Koutoupis & Kyriakogkonas
6. agency
7. stewardship
8. resource reliance
9. information asymmetry
10. managerial signalling
11. Jensen and Meckling
12. Connelly, Certo, Ireland & Reutzel
13. Pittroff

مانند لین و هوانگ (۲۰۱۰) به‌عنوان مجموعه‌ای از فرایندهای زیربنایی تعریف می‌شود که برای فرماندهی، کنترل و حفاظت از منافع سهام‌داران شرکت استفاده می‌شود. راهبری شرکتی خوب به سازمان‌ها کمک می‌کند تا در مسیر درست بمانند و به نگرانی‌های طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان پاسخ دهند (لیو، لین، چان و فانگ^۱، ۲۰۱۸؛ الزاقبه و همکاران، ۲۰۲۲؛ نورمانسیاه، ۲۰۲۲؛ الکبسی و همکاران، ۲۰۲۲). تحقیقات بسیاری درباره راهبری کسب‌وکارها انجام شده است. مطالعاتی که مدیریت سود و کیفیت گزارشگری مالی را به استراتژی‌های مختلف راهبری شرکتی مرتبط می‌کنند، نشان داده‌اند که آن‌ها به هم پیوسته هستند. پیش از این، چندین مطالعه بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی، اعضای مستقل هیئت‌مدیره و قدرت شرکتی تمرکز کرده‌اند. برای مثال، عبدو، الی، ایلامر، حسینی و یزدی‌فر^۲ (۲۰۲۱) مشاهده کردند که کیفیت گزارشگری مالی با حضور اعضای مستقل هیئت‌مدیره و کمیته‌های حسابرسی، به‌طور چشمگیری بهبود یافته است. تحقیقات نشان می‌دهد که ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت مدیریت و گزارشگری سود شرکت تأثیر مستقیم‌دارد. محققان بزویچ، لاخل و دماک^۳ (۲۰۱۹) چگونگی ارتباط چندین مؤلفه نظام راهبری شرکتی، مانند استقلال هیئت‌مدیره و مالکیت نهادی، را با تکنیک‌های مدیریت سود بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که نظام راهبری مؤثر، استفاده از تاکتیک‌های مدیریت سود را کاهش می‌دهند (علی شاه، بات و حسن^۴، ۲۰۰۹؛ قالب، قادری، المشاقبه و قاسم^۵، ۲۰۲۱).

ابزارهای مؤثری برای کاهش مدیریت سود در هر دو رویه‌های راهبری شرکتی داخلی و خارجی وجود دارد. در مورد عوامل خارجی، تحقیقات نشان می‌دهد که یک فضای انضباطی سخت‌گیرانه‌تر، ممکن است تأثیر کاهنده‌ای بر مدیریت سودآوری شرکتی داشته باشد. کشورهایی با قوانین قوی‌تر حمایت از سرمایه‌گذار نسبت به کشورهایی که چنین قوانینی ندارند، سطوح پایین‌تری از مدیریت سود دارند. همچنین الیاسیانی، ون و ژنگ^۶ (۲۰۱۷) دریافتند که مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بر مدیریت سود تأثیر مثبتی دارد. هیئت‌مدیره می‌تواند در نظارت بر اقدامات مدیریتی شرکت و دفاع از منافع سهام‌داران در خصوص رویه‌های راهبری داخلی، نقش حیاتی ایفا کند (فاما و جنسن^۷، ۱۹۸۳). ویژگی‌های خاص هیئت‌مدیره با راهبری بهتر و انضباط مدیریتی مؤثرتر در گزارش عملکرد شرکتی مرتبط است. استقلال هیئت‌مدیره می‌تواند بر نتایج مالی شرکت تأثیر خوبی داشته باشد (پیسنل، پاپ و یانگ^۸، ۲۰۰۵). اعضای مستقل هیئت‌مدیره که قرار است نماینده سهام‌داران باشند و هیچ ارتباط دیگری با شرکت نداشته باشند، اغلب اکثریت هیئت‌مدیره شرکت را تشکیل می‌دهند. از آنجا که آن‌ها از همکاری برای فریب سهام‌داران خودداری می‌کنند تا شهرتشان خدشه‌دار نشود، مسئولیت بیشتری در اجرای انضباط بر مدیریت دارند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). تحقیق ارائه شده توسط پیسنل و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که استقلال هیئت‌مدیره، مدیریت سود را کاهش می‌دهد. انتظار می‌رود که مدت زمان عضویت طولانی‌تر

1. Liu, Lin, Chan & Fung
2. Abdou, Elletly, Elamer, Hussainey & Yazdifar
3. Bzeouich, Lakhal & Dammak
4. Ali Shah, Butt & Hassan
5. Ghaleb, Qaderi, Almashaqbeh & Qasem
6. Elyasiani, Wen & Zhang
7. Fama and Jensen
8. Peasnell, Pope & Young

در هیئت‌مدیره اثربخشی آن را بهبود بخشد؛ زیرا عمق بیشتری از دانش و آشنایی با عملیات شرکت را منعکس می‌کند. در نهایت، مدارک تحصیلی و تجربه حرفه‌ای اعضای هیئت‌مدیره حیاتی است. شرکت‌هایی با سطوح پایین‌تر گزارشگری مالی نادرست، تمایل دارند که هیئت‌مدیره‌ای با نسبت بالاتری از اعضای دارای تخصص تجاری و مالی داشته باشند (شی و همکاران، ۲۰۰۳).

راهبری شرکتی که منافع سهام‌داران را در اولویت قرار می‌دهد، وظیفه نظارت بر مدیریت ارشد شرکت را به هیئت‌مدیره واگذار می‌کند. قوانین وضع شده در خارج از شرکت، نگرانی‌های برون‌سازمانی مانند تأمین‌کنندگان و بدهکاران، حسابداران و وکلا، آژانس‌های رتبه‌بندی اعتباری و شرکت‌های مالی را مدیریت و نظارت می‌کنند (سعید، مرتضی، سهیل^۱، ۲۰۱۳). برخی از سهام‌داران دارای کنترل در شرکت‌ها به دلیل این فرض که ساختار هرمی یا سهام‌داری متقابل ممکن است مشکلاتی را در نمایندگی مرکزی شرکت ایجاد کند، نفوذ بیشتری نسبت به دیگران دارند (کلسنس، جانکوف و لانگ^۲، ۲۰۰۰). تعهدهای مدیران برای کمک مالی از شرکت‌های دارای مشکل، مشکلات نمایندگی را تشدید می‌کند (کائو، چيو و چن^۳، ۲۰۰۴). سهام وثیقه شده در جذب مدیران و ناظران و همچنین، در تأثیرگذاری بر قیمت سهام و افزایش قدرت سهام‌داران مؤثر است.

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که رقابت در سهم بازار، ممکن است عاملی در تمایل مدیران به مشارکت در مدیریت سود باشد (داتا و همکاران، ۲۰۱۳؛ لاکسمانا و یانگ^۴، ۲۰۱۴؛ مارکاریان و سانتالو، ۲۰۱۴). دو دیدگاه متضاد درباره رابطه بین رقابت در بازار محصول و رفتار مدیریتی وجود دارد. طبق دیدگاه اول، توانایی مدیران در کنترل سود متناسب با سطح رقابت در بازار محصول افزایش می‌یابد. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند که مطابق نظریه نمایندگی، با توسعه رقابت در بازار محصول، کارگزاران اطلاعات بیشتری را برای نظارت و ارزیابی دقیق‌تر مدیران در مقایسه با همتایان آن‌ها در اختیار خواهند داشت. به گفته دفوند و پارک^۵ (۱۹۹۹)، اندازه‌گیری‌های نسبی عملکرد می‌تواند فشار زیادی بر مدیران در بازارهای بسیار رقابتی وارد کند تا به نتایج حسابداری اعلام شده توسط رقبای خود دست یابند یا از آن فراتر روند. به‌طور مشابه، هرمالین و وایزباخ^۶ (۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که مدیران کسب‌وکارها در صنایع با رقابت بالا در بازار محصول، انگیزه‌هایی برای مشارکت در مدیریت سود دارند تا به دلیل شوک‌های خارجی که دسترسی به اطلاعات را برای مالکان افزایش می‌دهند، بهتر از آنچه هستند به نظر برسند. از آنجا که سودهای حسابداری با تنبیه‌های (پاداش‌های) بزرگ‌تر بازار سهام پایین‌تر همراه است، مارکاریان و سانتالو (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند که «رقابت، انگیزه مدیران اجرایی را برای تحریف نتایج افزایش می‌دهد». همان‌طور که شلیفر (۲۰۰۴) پیشنهاد می‌کند، مدیرعاملان ممکن است به دلیل رقابت شدید در بازار امروز، انگیزه‌های فزاینده‌ای برای تحریف سود جهت تأثیرگذاری بر قیمت سهام داشته باشند. برای جلوگیری از دستیابی رقبا به اطلاعات حیاتی، شرکت‌ها در بخش‌های بسیار رقابتی گاهی اوقات قواعد افشای اطلاعات محرمانه‌تری را اتخاذ می‌کنند.

1. Saeed, Murtaza & Sohail

2. Claessens, Djankov & Lang

3. Kao, Chiou & Chen

4. Laksmna and Yang

5. DeFond and Park

6. Hermalin and Weisbach

طبق دیدگاه دوم، افزایش شفافیت، شانس جذب سرمایه از بازارهای سرمایه را بهبود می‌بخشد و هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد. همان طور که دایموند و ورکیا^۱ (۱۹۹۱) نشان می‌دهند، افزایش شفافیت، عدم تقارن اطلاعاتی را به حداقل می‌رساند و بنابراین هزینه تأمین مالی برای کسب‌وکارها را کاهش می‌دهد. با این منطق، کیفیت اطلاعات ارائه شده توسط کسب‌وکارهای تولیدی افزایش می‌یابد و درجه مدیریت سود با افزایش رقابت برای منابع محدود در یک صنعت کاهش می‌یابد. هوبرگ و فیلپس^۲ (۲۰۱۰) نیز انگیزه‌های شرکت‌ها برای به حداقل رساندن عدم تقارن اطلاعاتی برای دستیابی به تأمین مالی با نرخ‌های مطلوب‌تر را برجسته می‌کنند.

صفائی، محمودی درویشانی و عباسی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی با رویه‌های مدیریت سود و برنامه‌ریزی مالیاتی پرداختند. آن‌ها با استفاده از داده‌های تابلویی ۱۱۰ شرکت حاضر در بورس اوراق بهادار تهران، طی بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱، دریافتند که ویژگی‌های هیئت‌مدیره (مشمول بر اندازه، سطح استقلال و پاداش اعضا) در کنترل یا تغییر سطح مدیریت سود نقش معناداری ایفا نمی‌کنند.

شجاعی، نعیمی، بختیاری، کرمی و شریفی (۱۴۰۰) در یک مطالعه مروری، به تحلیل و جمع‌بندی تحقیقات داخلی و خارجی در خصوص تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود پرداختند. آن‌ها با بررسی ۱۵ مقاله (شامل ۱۰ مقاله داخلی بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ و ۵ مقاله خارجی از سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱)، گستره وسیعی از متغیرهای حاکمیت شرکتی نظیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره (استقلال، اندازه، دوگانگی نقش مدیرعامل)، ساختار مالکیت (مدیریتی و نهادی) و کیفیت حسابرسی را پوشش دادند. در این مطالعات، مدیریت سود از طریق شاخص‌های مختلفی مانند اقلام تعهدی اختیاری (با استفاده از مدل‌های تعدیل‌شده جونز و کوتاری) و معیارهای مدیریت سود واقعی (مانند جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی) سنجیده شده بود. نتیجه‌گیری اصلی این پژوهش مروری آن بود که یافته‌های متناقض و متفاوتی در این حوزه وجود دارد. به عقیده شجاعی و همکاران (۱۴۰۰)، این تفاوت در نتایج، از سه عامل کلیدی نشئت گرفته است: روش‌های متفاوت در سنجش متغیرها، تفاوت در ساختار بازارهای سرمایه کشورها و دوره‌های زمانی مختلف انجام تحقیقات.

نیکومرام و محمدزاده سالطه (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط میان ابعاد حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ پرداختند. این مطالعه با نمونه‌گیری حذفی و انتخاب ۴۰ شرکت، دریافت که شرکت‌هایی با «کفایت حاکمیت شرکتی» (چه قوی و چه ضعیف، اما کافی) تمایل کمتری به استفاده از اقلام تعهدی اختیاری (مدیریت سود) نشان می‌دهند. نتایج همچنین حاکی از آن بود که در سطوح یکسان کفایت حاکمیت شرکتی، شرکت‌هایی که دارای توانایی بالاتری در حاکمیت شرکتی بودند نیز، اقلام تعهدی اختیاری کمتری داشتند. جالب توجه است که یافته‌ها نشان دادند شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، لزوماً اقلام تعهدی اختیاری بیشتری ندارند. به طور کلی، این پژوهش نتیجه گرفت که «کفایت» حاکمیت شرکتی، بیش از «توانایی» آن، با کاهش مدیریت سود ارتباط معناداری دارد و به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده مؤثر در این زمینه شناخته می‌شود.

1. Diamond and Verrecchia

2. Hoberg and Phillips

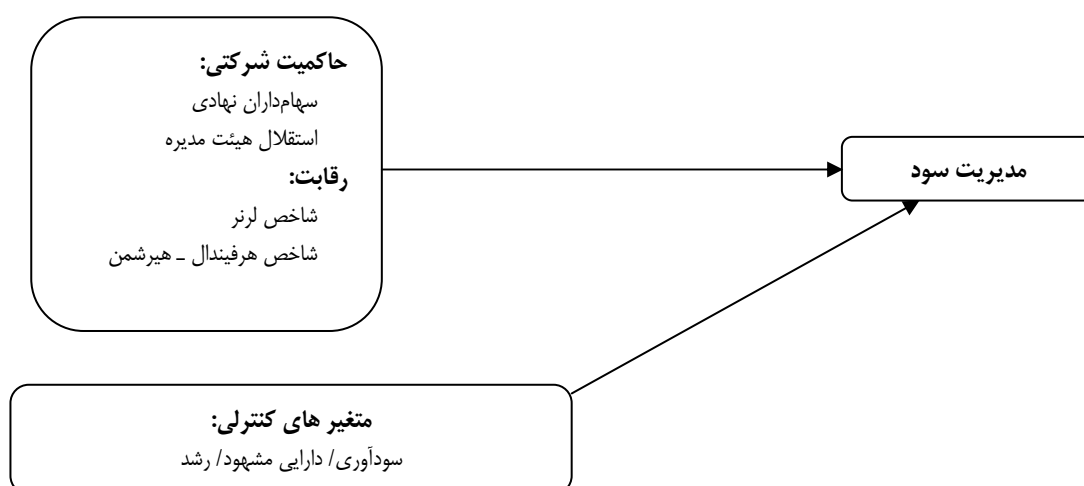
کاووسی کلاشمی و شالچی تبریزی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط میان استراتژی‌های سطح شرکت، میزان رقابت در بازار و رویه‌های مدیریت سود در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی پرداختند. این مطالعه با بهره‌گیری از داده‌های تابلویی و الگوی آثار تصادفی، اطلاعات ۱۲ شرکت پورسی را در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اتخاذ هر دو رویکرد استراتژیک «رهبری هزینه» و «تمایز»، تأثیر کاهنده و معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها دارد. علاوه بر این، بررسی اثرهای تعاملی متغیرها، حاکی از آن است که ترکیب رقابت شدید در بازار محصولات با استراتژی تمایز، به کاهش معنادار مدیریت سود واقعی منجر می‌شود؛ با وجود این نقش تعاملی رقابت بازار در ترکیب با استراتژی رهبری هزینه بر مدیریت سود، از نظر آماری معنادار ارزیابی نشد.

قائمی و صابر (۱۳۹۵) در پژوهشی با اشاره به هزینه‌ها و منافع مرتبط با کیفیت سود و اثرهای چندوجهی محیط رقابتی، استدلال کردند که دلیل تناقض در نتایج مطالعات پیشین، استفاده از مدل‌های خطی بوده است و به همین منظور، به بررسی ارتباط غیرخطی میان رقابت در بازار محصول و کیفیت سود پرداختند. یافته‌های حاصل از برازش مدل‌های رگرسیون غیرخطی نشان داد که رابطه معناداری به فرم «U وارونه» میان رقابت بالفعل شرکت‌ها و کیفیت سود آن‌ها برقرار است؛ با این حال، شواهدی مبنی بر وجود چنین رابطه‌ای در خصوص رقابت‌های بالقوه مشاهده نشد.

شمس‌الدینی و نعمتی (۱۴۰۰) در پژوهشی به ارزیابی ارتباط میان پایداری مالکیت نهادی و مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش اهرم مالی پرداختند. دیدگاه حاکم بر این مطالعه آن بود که سرمایه‌گذاران نهادی به واسطه داشتن سهام عمده و برخورداری از قدرت نظارتی بالا، رویکردی بلندمدت به ارتقای ارزش شرکت دارند که این امر می‌تواند انگیزه‌های کوتاه‌مدت مدیران برای دست‌کاری ارقام حسابداری را محدود سازد.

مدل مفهومی

در شکل ۱ روابط متغیرهای پژوهش در قالب مدل مفهومی ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

طرح پژوهش و رویکرد روش‌شناختی

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کمی است. هدف اصلی پژوهش، بررسی تجربی رابطه بین حاکمیت شرکتی، رقابت و مدیریت سود در صنعت بانکداری ایران است. با توجه به ماهیت ساختاری متغیرها و نیاز به کنترل هم‌زمان اثرهای مقطعی و زمانی، از رویکرد اقتصادسنجی داده‌های تابلویی استفاده شده است.

جامعه آماری، نمونه و دوره زمانی

جامعه آماری این پژوهش، کلیه بانک‌های فعال پذیرفته‌شده در بورس تهران و فرابورس ایران و سایر بانک‌های دارای گزارشگری مالی کامل بوده است. برای انتخاب نمونه نهایی، بانک‌هایی که دارای تمامی شرایط زیر بودند انتخاب و سایر بانک‌ها حذف شدند:

۱. تداوم فعالیت: بانک مدنظر باید قبل از سال ۱۳۹۲ تأسیس شده و تا پایان سال ۱۴۰۳ در بازار سرمایه فعال بوده باشد (عدم توقف طولانی مدت نمود).
 ۲. ادغام و انحلال: در طی دوره پژوهش در سایر بانک‌ها ادغام نشده باشند (مانند بانک‌های ادغامی در بانک سپه که از نمونه حذف می‌شوند).
 ۳. در دسترس بودن داده‌ها: اطلاعات مالی و صورت‌های مالی حسابرسی‌شده آن‌ها برای محاسبه متغیرهای پژوهش در کل دوره زمانی (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳) به‌طور کامل در دسترس باشد.
- با اعمال محدودیت‌های فوق، در نهایت تعداد ۱۷ بانک به‌عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب شد.

تعریف و اندازه‌گیری متغیرها

متغیرهای مورد استفاده در پژوهش در جدول ۱ در قالب متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی طبقه‌بندی می‌شوند.

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیرها	منبع	فرمول	اختصار
متغیر وابسته:			
مدیریت سود	الجفیفی ^۱ (۲۰۱۷) هانجرا و همکاران (۲۰۲۰)	مدل تعدیل‌شده جونز	EM
متغیرهای مستقل:			
استقلال هیئت‌مدیره	عبد، العطار و سویدان ^۲ (۲۰۱۲) هانجرا و همکاران (۲۰۲۱)	نسبت درصد اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره	IB
مالکیت نهادی	دیدار، منصورفر و کفعمی (۱۳۹۳)	اگر میزان مالکیت سهام‌داران نهادی کمتر از میانگین درصد مالکیت سهام‌داران نهادی کل شرکت‌های مورد بررسی شده باشد، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.	IN

1. Al-Jaifi

2. Abed, Al-Attar & Suwaidan

متغیرها	منبع	فرمول	اختصار
شاخص هرفیندال - هیرشمن	ال دیری، لامبرینوداکیس و الهدب ^۱ (۲۰۲۰)	حاصل ضرب سهم بازار هر شرکت در بازار و مجموع آن‌ها	HHI
شاخص لرنر	دمیرگوچ کونت و مارتینز پریا ^۲ (۲۰۱۰)	$Lerner = (P_{TA} - MC_{TA}) / P_{TA}$	LI
متغیرهای کنترلی:			
دارایی‌های مشهود	لِما، نگاش و ملیلو ^۳ (۲۰۱۳)	درصد تغییر سالانه کل دارایی	TG
رشد	لِما و همکاران (۲۰۱۳)	درصد تغییر سالانه فروش	GR
سودآوری	التویجری ^۴ (۲۰۰۷)	سود خالص / کل دارایی‌ها	ROA

استفاده از قدر مطلق متغیر وابسته، به‌منظور سنجش شدت و گستردگی دست‌کاری سود (فارغ از انگیزه کاهش یا افزایشی بودن آن) صورت گرفته است.

مدل محاسبه مدیریت سود

برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل جونز تعدیل‌شده استفاده شده است که یکی از معتبرترین روش‌ها در ادبیات حسابداری و مالی محسوب می‌شود. شکل کلی مدل به‌صورت زیر است:

$$\frac{TAC_{it}}{TAS_{t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{TAS_{t-1}} + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{TAS_{t-1}} \right) + \alpha_3 \frac{PPE_{it}}{TAS_{t-1}} + \varepsilon_{it} \quad (\text{رابطه ۱})$$

در رابطه ۱، TAC_{it} نشان‌دهنده جریان نقدی عملیاتی تجمعی از ابتدای سال تا زمان t است، در حالی که TAS_{t-1} نشان‌دهنده مجموع دارایی‌های تجمعی از ابتدای سال تا زمان $t-1$ است. هنگام مقایسه سال‌های $t-1$ و t ، درآمد (REV_{it}) و تفاوت حساب‌های دریافتنی که به آن REC_{it} گفته می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. PPE_{it} نمایانگر دارایی‌های ثابت مشهود (اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات) در سال t است و ضرایب a_1 ، a_2 و a_3 پارامترهای برآورد شده هستند. مقدار ثابت a_0 و جمله خطا ε است. ضرایب رگرسیون a_1 ، a_2 و a_3 با استفاده از روش حداقل مربعات عادی محاسبه می‌شوند. برای تعیین تعهدهای غیر اختیاری (NDA_{it}) برای نمونه بانک‌ها، رابطه ۲ به همراه رابطه فوق به‌کار می‌رود.

$$\frac{NDA_{it}}{TAS_{t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{TAS_{t-1}} + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{TAS_{t-1}} \right) + \alpha_3 \frac{PPE_{it}}{TAS_{t-1}} \quad (\text{رابطه ۲})$$

برای مدیریت سود (EM)، از مقدار مطلق تعهدهای اختیاری (DA) استفاده می‌شود که بر اساس مطالعات لئوز، ناندا و ویسوکي^۵ (۲۰۰۳) و الجیفی (۲۰۱۷) است. این مقدار به‌صورت رابطه ۳ محاسبه می‌شود.

1. El Diri, Lambrinoudakis & Alhadab
2. Demirgüç-Kunt & Martínez Pería
3. Lemma, Negash & Mlilo
4. Al-Twaijry
5. Leuz, Nanda & Wysocki

$$DA_{it} = TAC_{it} - NDA_{it} \quad \text{رابطه ۳}$$

همچنین رابطه ۴ برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده می‌شود.

$$EM = \alpha + \beta_1(IB)_{i,t} + \beta_2(IN)_{i,t} + \beta_3(HHI)_{i,t} + \beta_4(LI)_{i,t} + \beta_5(TG)_{i,t} + \beta_6(IB)_{i,t} + \beta_7(ROA)_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۴}$$

روش برآورد و آزمون‌های تشخیصی

با توجه به وجود چولگی و کشیدگی شدید در برخی متغیرها و همچنین احتمال بروز ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته با وزن‌دهی دوره‌ای و خطای استاندارد وایت استفاده شده است.

پیش از تخمین مدل نهایی، آزمون‌های زیر انجام شده است:

- آزمون ریشه واحد دیکی - فولر تعمیم‌یافته؛
- آزمون F لیمر (چاو) برای انتخاب بین داده‌های تلفیقی و پانل؛
- آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرهای ثابت و تصادفی.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و توزیع آماری در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های آماری	مدیریت سود	مالکیت نهادی	استقلال مدیران (IB)	شاخص هرفیندال هیرشمن	شاخص لرنر	متغیر رشد	دارایی‌های مشهود	بازده دارایی
میانگین	۰/۰۳۷۵	۰/۷۱۵۲	۰/۴۹۸۲	۰/۱۷۸۹	۰/۸۸۲۷	۰/۲۴۸۸	-۱/۱۵۹۳	-۰/۱۲۹۰
میانه	۰/۰۱۶۶	۰/۸۲۰۰	۰/۴۰۰۰	۰/۰۴۹۳	۰/۹۵۲۵	۰/۲۶۵۶	۰/۲۳۳۹	-۰/۱۲۲۵
بیشترین	۰/۳۸۰۲	۰/۹۸۰۰	۱/۰۰۰۰	۱/۴۶۶۴	۴/۳۰۷۳	۱/۰۰۰۰	۰/۹۷۸۶	۰/۴۹۴۶
کمترین	۰/۰۰۰۰	۰/۱۱۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	-۱/۵۳۵۸	-۳/۱۹۸۹	-۱۸۲/۷۰۹۸	-۰/۰۰۰۰
انحراف معیار	۰/۰۶۰۲	۰/۲۳۶۴	۰/۲۳۸۶	۰/۲۹۳۲	۰/۴۴۹۶	۰/۴۳۲۸	۱۴/۵۵۶۴	۰/۰۷۱۳
چولگی	۳/۳۵۴۹	-۱/۰۸۵۱	۰/۵۶۰۱	۲/۳۳۰۰	۰/۵۲۵۳	-۳/۰۴۹۰	-۱۱/۶۸۰۴	۲/۰۱۷۲
کشیدگی	۱۵/۵۴۸۵	۳/۲۰۷۷	۲/۹۹۶۷	۷/۸۹۰۸	۲۹/۰۸۵۶	۲۷/۵۰۸۶	۱۴۳/۴۶۱۸	۹/۶۴۵۸

تحلیل نتایج نشان می‌دهد که توزیع اغلب متغیرها چولگی و کشیدگی قابل توجه و از نرمال بودن فاصله دارد. این ویژگی، استفاده از روش‌های مقاوم در تخمین مدل را توجیه می‌کند.

نتایج آزمون پایایی متغیرها

نتایج آزمون دیکی - فولر تعمیم‌یافته در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج پایایی متغیرها

متغیر	آزمون ریشه واحد	آماره خی دو	P-VALUE	نتیجه
EM	دیکی - فولر تعمیم یافته	۶۱/۰۱۶۳	۰/۰۰۷۲	ایستا - I(0)
IB	دیکی - فولر تعمیم یافته	۶۴/۰۶۴۳	۰/۰۰۰۶	ایستا - I(0)
IN*	-	-	-	-
HHI	دیکی - فولر تعمیم یافته	۷۳/۴۵۱	۰/۰۰۰۰	ایستا - I(0)
LI	دیکی - فولر تعمیم یافته	۲۴/۹۴۷۸	۰/۰۰۸۰	ایستا - I(0)
TG	دیکی - فولر تعمیم یافته	۵۲/۷۱۲۶	۰/۰۱۲	ایستا - I(0)
GR	دیکی - فولر تعمیم یافته	۹۵/۳۴۱۵	۰/۰۰۰۰	ایستا - I(0)
ROA	دیکی - فولر تعمیم یافته	۶۹/۳۵۶	۰/۰۰۰۱	ایستا - I(0)

* شایان ذکر است که متغیر مالکیت نهادی (IN) در پژوهش حاضر به صورت یک متغیر مجازی (صفر و یک) تعریف و اندازه گیری شده است. بر اساس مبانی اقتصادسنجی، متغیرهای موهومی یا مجازی، کرانه‌های مشخص و مقادیر گسسته‌ای دارند و فرایند تولید سری زمانی آن‌ها نمی‌تواند ریشه واحد داشته باشد. به عبارت دیگر، این متغیرها ذاتاً مانا هستند و امکان ایجاد رگرسیون کاذب توسط آن‌ها وجود ندارد. از این رو، انجام آزمون ریشه واحد برای متغیر IN موضوعیت نداشته و از جدول آزمون‌های مانایی حذف شده است.

نتایج نشان می‌دهد تمامی متغیرها در سطح پایا هستند و امکان استفاده از روش‌های رگرسیونی پانل بدون نگرانی از رگرسیون کاذب وجود دارد.

نتایج برآورد مدل مدیریت سود

نتایج برآورد مدل جونیز تعدیل شده در جدول ۴ ارائه شده است. شاخص‌های برازش مدل $R^2 = ۷۵.۰۲$ ، آماره F معنادار و $DW \approx ۱/۵۶۱$ نشان‌دهنده کیفیت بسیار مناسب مدل در استخراج شاخص مدیریت سود است.

جدول ۴. نتایج برآورد مدل مدیریت سود (رابطه اول)

متغیرها	نماد متغیر	ضریب برآوردی	خطای معیار	آماره تی	سطح معناداری
عرض از مبدأ		-۰/۰۲۹۶	۰/۰۰۸۷	-۳/۳۹۸	۰/۰۰۰۹
معکوس کل دارایی‌های دوره قبل	$1/TA_{t-1}$	۱۹۷۴۵۲۵	۲۲۶۷۹۱/۴	۸/۷۰۶	۰/۰۰۰۰
تغییرات درآمد منهای دریافتنی‌ها	$\frac{\Delta REV - \Delta REC}{TA_{t-1}}$	-۰/۰۲۸۵	۰/۰۰۶۸	-۴/۱۹۸	۰/۰۰۰۰
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	PPE/TA_{t-1}	۰/۰۰۶۵	۰/۲۰۵۷	۰/۰۳۱	۰/۹۷۴۷
آماره‌های کلی مدل					
ضریب تعیین (R^2)	۰/۷۵۰۲		متغیر وابسته	TAC/TA_{t-1}	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۲۰۱		آماره F	۲۴/۸۷۰	
آماره دوربین - واتسون (D-W)	۱/۵۶۱		سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۰۰

نتایج برآورد الگوی اصلی پژوهش

نتایج برآورد الگوی اصلی پژوهش در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج برآورد مدل اصلی تحقیق روش (Panel EGLS اثرهای ثابت)

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآوردی	انحراف معیار	آماره تی	سطح احتمال	نتیجه‌گیری
مالکیت نهادی	D_IN	-۰/۰۱۰۹	۰/۰۰۳۳	-۳/۲۹۶	۰/۰۰۳۶	معنادار (منفی)
استقلال هیئت‌مدیره	IB	-۰/۰۲۸۰	۰/۰۰۴۹	-۵/۷۰۱	۰/۰۰۰	معنادار (منفی)
شاخص هرفیندال هیرشمن	HHI	۰/۰۳۱۱	۰/۰۱۴۳	۲/۱۷۰	۰/۰۴۲	معنادار (مثبت)
شاخص لرنر	LI	-۰/۰۰۳۱	۰/۰۰۲۵	-۱/۲۵۴	۰/۲۲۴۰	عدم معناداری
دارایی‌های مشهود	TG	-۰/۰۳۲۲	۰/۰۱۰۰	-۳/۲۱۶	۰/۰۰۴۳	معنادار (منفی)
رشد	GR	۰/۰۲۷۷	۰/۰۰۶۰	۴/۶۰۶	۰/۰۰۰۲	معنادار (مثبت)
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۳۹۷۴	۰/۰۷۷۱	-۵/۱۴۹	۰/۰۰۰	معنادار (منفی)

جدول ۶. آزمون‌های تشخیصی پیش از برآورد

نام آزمون	نوع آماره	مقدار آماره	سطح احتمال	نتیجه‌گیری
آزمون چاو	آماره F	۳/۵۴۴	۰/۰۰۵۵	تأیید مدل تابلویی (پانل)
آزمون هاسمن	کای - دو (χ^2)	۴۲/۶۰۸	۰/۰۰۰	تأیید مدل اثرهای ثابت

جدول ۷. آماره‌های برازش کلی مدل

نام آماره	مقدار	نام آماره	مقدار
ضریب تعیین	۰/۹۱۷۴	آماره اف	۱۱/۱۱۱
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۸۳۴۸	سطح احتمال آماره اف	۰/۰۰۰۰۱

ضریب تعیین وزنی مدل برابر با ۰/۸۳۴۸ است که نشان می‌دهد الگو توان توضیح‌دهندگی بالایی در تبیین تغییرات مدیریت سود دارد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

متغیر استقلال هیئت‌مدیره با ضریب -۰/۰۲۸۰ و سطح احتمال ۰/۰۰۰۰ با مدیریت سود ارتباط منفی و کاملاً معناداری دارد. به عبارت دیگر، افزایش نسبت اعضای غیرموظف و مستقل در هیئت‌مدیره، باعث بهبود کیفیت نظارت، افزایش شفافیت مالی و کاهش تضاد منافع می‌شود و به شکل چشمگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران برای دست‌کاری سود جلوگیری می‌کند.

بر اساس نتایج برآورد مدل، ضریب متغیر شاخص لرنر با توجه به سطح احتمال به‌دست‌آمده ۰/۲۲۴۰، فاقد معناداری آماری در سطح خطای ۵ درصد است شاخص هرفیندال هیرشمن با ضریب ۰/۰۳۱۱ و سطح احتمال ۰/۰۴۲۲ اثر مثبت و معناداری بر مدیریت سود نشان می‌دهد. این یافته بیانگر آن است که با کاهش رقابت و حرکت بازار بانکی به سمت

انحصار (افزایش تمرکز)، انگیزه، فرصت و فضای بیشتری برای مدیران فراهم می‌شود تا به مدیریت سود روی بیاورند. در واقع، در بازارهای انحصاری‌تر، شفافیت کمتری وجود دارد.

نتایج نشان داد که سطح احتمال به‌دست‌آمده برای متغیر دارایی‌های مشهود برابر با ۰/۲۲۴۰ است. از آنجا که این عدد از سطح خطای مجاز (۵ درصد یا ۰/۰۵) بزرگ‌تر است، نتیجه می‌گیریم که این متغیر بر مدیریت سود تأثیر معناداری ندارد. بنابراین، میزان مشهود بودن دارایی بانک‌ها عامل تعیین‌کننده‌ای در تشویق یا بازدارندگی مدیران نسبت به مدیریت سود در این بازه زمانی نبوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های راهبری شرکتی، نشان می‌دهد که استقلال هیئت‌مدیره بر مدیریت سود تأثیر منفی و معناداری دارد؛ به این معنا که حضور بیشتر اعضای غیرموظف و مستقل، قدرت نظارتی را افزایش داده و احتمال دست‌کاری صورت‌های مالی توسط مدیران را کاهش می‌دهد. علاوه‌براین، مالکیت نهادی نیز به‌دلیل نظارت دقیق‌تر و حرفه‌ای‌تر سرمایه‌گذاران حقوقی، نقش مؤثری در کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و ارتقای شفافیت مالی ایفا می‌کند. یکی از یافته‌های تأمل‌برانگیز این پژوهش، تفاوت در معناداری شاخص‌های ساختاری و رفتاری رقابت است. نتایج نشان داد، در حالی که تمرکز بازار (شاخص هرفیندال - هیرشمن) بر مدیریت سود تأثیر معنادار دارد، شاخص لرنر (به‌عنوان نماینده قدرت قیمت‌گذاری) فاقد تأثیر معنادار است. تبیین اقتصادی این یافته را باید در ساختار نهادی و مقرراتی شبکه بانکی ایران جست‌وجو کرد. شاخص لرنر بر مبنای توانایی مؤسسه در تعیین قیمت بالاتر از هزینه نهایی (رقابت قیمتی) محاسبه می‌شود. این در حالی است که در اقتصاد ایران، ساختار تعرفه‌ای و تعیین دستوری سقف و کف نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات توسط شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی، در عمل ابزار رقابت قیمتی را از بانک‌ها سلب کرده است. به عبارت دیگر، از آنجا که بانک‌ها قدرت مستقلی در قیمت‌گذاری محصولات خود ندارند، شاخص رفتاری لرنر نمی‌تواند به‌عنوان محرکی برای روی آوردن مدیریت به سمت دست‌کاری سود عمل کند. در نقطه مقابل، شاخص ساختاری هرفیندال که نشان‌دهنده سهم بازار و بزرگی بانک است، به‌دلیل آنکه به‌طور مستقیم با متغیرهایی نظیر هزینه‌های سیاسی، شدت نظارت بانک مرکزی و اهمیت سیستماتیک بانک گره خورده است، توانسته است تأثیر معناداری بر انگیزه‌های مدیریت سود در شبکه بانکی ایران نشان دهد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش تأکید می‌کند که برای بهبود کیفیت اطلاعات مالی، افزایش شفافیت و جلوگیری از دست‌کاری سود در نظام بانکی، باید سازوکارهای نظارتی در هیئت‌مدیره تقویت شده و هم‌زمان ساختار رقابتی سالم‌تری در بازار ایجاد شود.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بوده است که باید در تعمیم نتایج به آن‌ها توجه شود. جامعه آماری به بانک‌های فعال در بازار سرمایه محدود است. همچنین دوره زمانی پژوهش، اگرچه کمابیش طولانی است، شوک‌های اقتصادی خاصی را پوشش می‌دهد. اگرچه از متغیرهای پُرکاربرد در ادبیات استفاده شد، برخی جنبه‌های پیچیده حاکمیت شرکتی

(مانند ترکیب جنسیتی و قومی هیئت‌مدیره و کیفیت کمیته حسابرسی) و رقابت (مانند ورود فناوری‌های مالی) در این مطالعه لحاظ نشده‌اند. تفسیر نتایج، به‌ویژه در مورد مالکیت نهادی، مستلزم در نظر گرفتن زمینه نهادی خاص ایران، از جمله نقش دولت، قوانین خاص بخش بانکی و ساختار مالکیت است که در این مطالعه به صورت مستقیم کنترل نشده‌اند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، نقش تعدیلگر ساختار و نوع مالکیت بانک‌ها (از جمله طبقه‌بندی بانک‌ها به دولتی، خصوصی‌سازی‌شده و خصوصی یا نوع مالکیت نهایی مانند نهادهای عمومی غیردولتی در مقایسه با بخش خصوصی واقعی) بر رابطه بین حاکمیت شرکتی، رقابت بازار و مدیریت سود بررسی شود. جهت پیاده‌سازی این موضوع و غلبه بر محدودیت عدم امکان ورود متغیرهای مجازی ثابت زمانی در روش‌های مرسوم داده‌های تابلویی (مانند اثرهای ثابت معمولی)، توصیه می‌شود که از الگوهای پیشرفته‌تر اقتصادسنجی نظیر مدل‌های پانل پویا با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته یا تخمین‌زن‌های با اثرهای تصادفی و متغیرهای کمکی بهره گرفته شود تا تحلیل دقیق‌تری از رفتار مدیریت سود در ساختارهای مالکیت گوناگون حاصل آید.

همچنین می‌توان در پژوهش‌های آتی، به‌جای استفاده از مدل‌های عمومی مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری، از مدل‌های بومی و اختصاصی صنعت بانکداری نظیر مدل‌های مبتنی بر ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول استفاده شود تا ویژگی‌های خاص ترازنامه بانک‌ها و رفتار هموارسازی سود در این صنعت با دقت بیشتری سنجیده و ارزیابی شود. به‌طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه بین حاکمیت شرکتی، رقابت و مدیریت سود لزوماً جهانی و یکسان نیست و تا حد زیادی تحت تأثیر زمینه نهادی، اقتصادی و ساختاری کشور قرار دارد؛ بنابراین طراحی سیاست‌ها و تفسیر یافته‌ها، باید با در نظرگیری این ویژگی‌های زمینه‌ای انجام شود.

منابع

- اسلام‌دوست، مهناز؛ رنجبرناوی، رستم و چناری، حسن (۱۴۰۰). تأثیر سازوکارهای برون‌سازمانی راهبری شرکتی بر خطر ریزش قیمت سهام با تأکید بر کیفیت گزارشگری مالی و تخصص حسابرس در صنعت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۲)، ۲۲۶-۲۴۷.
- دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا و کفعمی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۴)، ۴۰۹-۴۳۰.
- شجاعی، معصومه؛ نعیمی، راضیه؛ بختیاری، فاطمه؛ کرمی، آزاده و شریفی، محمدرضا (۱۴۰۰). بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود. *کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک*.
- شمس‌الدینی، کاظم و نعمتی، میثم (۱۴۰۰). بررسی رابطه پایداری مالکیت نهادی با مدیریت سود با لحاظ اهرم مالی شرکت. *دانش حسابداری*، ۱۲(۴)، ۱۵۵-۱۷۷.
- صفائی، محمد؛ محمودی درویشانی، بابک و عباسی، ابراهیم (۱۳۹۶). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۶(۲۳)، ۱۳۱-۱۴۳.

- فخاری، حسین و یوسفعلی تبار، نصیبه (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود و حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۷(۶۲)، ۶۹-۸۴.
- قائم، محمدحسین و صابر، امیر (۱۳۹۵). تأثیر غیرخطی رقابت در بازار محصول بر کیفیت سود. *دانش حسابداری*، ۷(۲۷)، ۳۵-۶۲.
- کاووسی کلاشمی، محمد و شالچی تبریزی، سیامک (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین راهبردهای کسب‌وکار، رقابت بازار و مدیریت سود در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۲۶(۱۰۴)، ۲۱۵-۲۳۸.
- مرادزاده‌فرد، مهدی؛ ناظمی اردکانی، مهدی؛ غلامی، رضا و فرزانی، حجت‌الله (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۶(۵۵)، ۸۵-۹۸.
- مشایخ، شهناز و اسماعیلی، مریم (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۳(۴۵)، ۲۵-۴۴.
- نیکومرام، هاشم و محمدزاده سالطه، حیدر (۱۳۸۹). رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود. *مدیریت بهرموری (فراصوی مدیریت)*، ۴(۱۵)، ۱۸۷-۲۰۹.

References

- Abdou, H. A., Ellelly, N. N., Elamer, A. A., Hussainey, K. & Yazdifar, H. (2021). Corporate governance and earnings management nexus: Evidence from the UK and Egypt using neural networks. *International Journal of Finance and Economics*, 26(4), 6281–6311. <https://doi.org/10.1002/ijfe.2120>
- Abed, S., Al-Attar, A. & Suwaidan, M. (2012). Corporate governance and earnings management: Jordanian evidence. *International Business Research*, 5(1), 216. <https://doi.org/10.5539/ibr.v5n1p216>
- Abraham, S., Marston, C. & Jones, E. (2015). Disclosure by Indian companies following corporate governance reform. *Journal of Applied Accounting Research*, 16(1), 114–137. <https://doi.org/10.1108/JAAR-05-2012-0042>
- Ali Shah, S. Z., Butt, S. A. & Hassan, A. (2009). Corporate governance and earnings management: An empirical evidence from Pakistani listed companies. *European Journal of Scientific Research*, 26(4), 624–638. <https://ssrn.com/abstract=1732510>
- Ali, A., Klasa, S. & Yeung, E. (2014). Industry concentration and corporate disclosure policy. *Journal of Accounting and Economics*, 58(2/3), 240–264. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2014.08.004>
- Al-Jaifi, H. A. (2017). Ownership concentration, earnings management and stock market liquidity: Evidence from Malaysia. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 17(3), 490–510. <https://doi.org/10.1108/CG-06-2016-0139>
- Alkebesee, R. H., Tian, G., Garefalakis, A., Koutoupis, A. & Kyriakogkonas, P. (2022). Audit committee independence and financial expertise and earnings management: Evidence from China. *International Journal of Business Governance and Ethics*, 16(2), 176–194.

- Al-Twaijry, A. A. (2007). Dividend policy and payout ratio: Evidence from the Kuala Lumpur stock exchange. *The Journal of Risk Finance*, 8(4), 349–363. <https://doi.org/10.1108/15265940710777306>
- Al-Zaqeba, M. A. A., Ineizeh, N. I., Hussein, O. J. & Albawwat, A. H. (2022). The effect of corporate governance mechanisms on earnings management in Malaysian manufacturing companies. *Asian Economic and Financial Review*, 12(5), 354–367. <https://doi.org/10.55493/5002.v12i5.4490>
- Andayani, W. & Daud, D. (2020). The effect of corporate governance structure on financial difficulties. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 7(3), 1803. [https://doi.org/10.9770/jesi.2020.7.3\(24\)](https://doi.org/10.9770/jesi.2020.7.3(24))
- Boubaker, S., Dang, V. A. & Sassi, S. (2022). Competitive pressure and firm investment efficiency: Evidence from corporate employment decisions. *European Financial Management*, 28(1), 113–161. <https://doi.org/10.1111/eufm.12335>
- Boubaker, S., Saffar, W. & Sassi, S. (2018). Product market competition and debt choice. *Journal of Corporate Finance*, 49, 204–224. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2018.01.007>
- Bzeouich, B., Lakhal, F. & Dammak, N. (2019). Earnings management and corporate investment efficiency: Does the board of directors matter? *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 17(4), 650–670. <https://doi.org/10.1108/JFRA-06-2018-0044>
- Cheng, P., Man, P. & Yi, C. H. (2013). The impact of product market competition on earnings quality. *Accounting and Finance*, 53(1), 137–162. <https://doi.org/10.1111/j.1467-629X.2011.00457.x>
- Claessens, S., Djankov, S. & Lang, L. H. (2000). The separation of ownership and control in East Asian corporations. *Journal of Financial Economics*, 58(1/2), 81–112. [https://doi.org/10.1016/S0304-405X\(00\)00067-2](https://doi.org/10.1016/S0304-405X(00)00067-2)
- Connelly, B. L., Certo, S. T., Ireland, R. D. & Reutzel, C. R. (2011). Signaling theory: A review and assessment. *Journal of Management*, 37(1), 39–67.
- Datta, S., Iskandar-Datta, M. & Singh, V. (2013). Product market power, industry structure, and corporate earnings management. *Journal of Banking and Finance*, 37(8), 3273–3285. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2013.03.012>
- DeFond, M. L. & Park, C. W. (1999). The effect of competition on CEO turnover. *Journal of Accounting and Economics*, 27(1), 35–56. <https://doi.org/10.1016/S0165-4101>
- Demirgüç-Kunt, A. & Martínez Pería, M. S. (2010). A framework for analyzing competition in the banking sector: An application to the case of Jordan. *World Bank Policy Research Working Paper*, 5499.
- Diamond, D. W. & Verrecchia, R. E. (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of capital. *The Journal of Finance*, 46(4), 1325–1359. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.1991.tb04620.x>
- Didar, H., Mansourfar, Gh. & Kafami, M. (2014). Investigating the effect of corporate governance mechanisms on the tax gap in companies listed on the Tehran Stock

- Exchange. *Accounting and Auditing Reviews*, 21(4), 409-430. doi: 10.22059/acctgrev.2014.52901 (in Persian)
- El Diri, M., Lambrinoudakis, C. & Alhadab, M. (2020). Corporate governance and earnings management in concentrated markets. *Journal of Business Research*, 108, 291–306. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.11.013>
- Elamer, A. A., Ntim, C. G., Abdou, H. A., Zalata, A. M. & Elmagrhi, M. (2019). The impact of multilayer governance on bank risk disclosure in emerging markets: The case of Middle East and North Africa. *Accounting Forum*, 43(2), 246–281.
- Elghuweel, M. I., Ntim, C. G., Opong, K. K. & Avison, L. (2017). Corporate governance, Islamic governance and earnings management in Oman: A new empirical insights from a behavioural theoretical framework. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 7(2), 190–224. <https://doi.org/10.1108/JAEE-09-2015-0064>
- Elyasiani, E., Wen, Y. & Zhang, R. (2017). Institutional ownership and earning management by bank holding companies. *Journal of Financial Research*, 40(2), 147–178. <https://doi.org/10.1111/jfir.12120>
- Eslamdoost, M., Ranjbar Navi, R. & Chenari, H. (2021). The impact of external corporate governance mechanisms on stock price crash risk emphasizing the quality of financial reporting and auditor industry specialization. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 28(2), 226-247. doi: 10.22059/acctgrev.2021.308398.1008421 (in Persian)
- Fakhari, H. & Yousefali Tabar, N. (2010). Investigating the relationship between dividend policy and corporate governance in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 17(62), 69-84. (in Persian)
- Fama, E. F. & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The Journal of Law and Economics*, 26(2), 301–325.
- Gentzkow, M. & Shapiro, J. M. (2008). Competition and truth in the market for news. *Journal of Economic Perspectives*, 22(2), 133–154. <https://doi.org/10.1257/jep.22.2.133>
- Ghaemi, M. H. & Saber, E. (2016). The non-linear effect of product market competition on earnings quality. *Accounting Knowledge*, 7(27), 35–62. <https://sid.ir/paper/163329/fa> (in Persian)
- Ghaleb, B. A. A., Qaderi, S. A., Almashaqbeh, A. & Qasem, A. (2021). Corporate social responsibility, board gender diversity and real earnings management: The case of Jordan. *Cogent Business and Management*, 8(1), 1883222.
- Giroud, X. & Mueller, H. M. (2011). Corporate governance, product market competition, and equity prices. *The Journal of Finance*, 66(2), 563–600. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.2010.01642.x>
- Grabiński, K. & Wójtowicz, P. (2022). The impact of catholic religion on earnings management: A case of Poland. *Journal of International Financial Management and Accounting*, 33(1), 18–56. <https://doi.org/10.1111/jifm.12141>
- Hazarika, S., Karpoff, J. M. & Nahata, R. (2012). Internal corporate governance, CEO turnover, and earnings management. *Journal of Financial Economics*, 104(1), 44–69. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2011.10.011>

- Hermalin, B. & Weisbach, M. (2003). Boards of directors as an endogenously determined institution: A survey of the economic literature. *Economic Policy Review*, 9, 7–26. <https://doi.org/10.3386/w8161>
- Hoberg, G. & Phillips, G. (2010). Product market synergies and competition in mergers and acquisitions: A text-based analysis. *Review of Financial Studies*, 23(10), 3773–3811. <https://doi.org/10.1093/rfs/hhq053>
- Hunjra, A. I., Hanif, M., Mehmood, R. & Nguyen, L. V. (2021). Diversification, corporate governance, regulation and bank risk-taking. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 19(1), 92–108. <https://doi.org/10.1108/JFRA-03-2020-0071>
- Hunjra, A. I., Mehmood, R. & Tayachi, T. (2020). How do corporate social responsibility and corporate governance affect stock price crash risk? *Journal of Risk and Financial Management*, 13(2), 30.
- Hunjra, A. I., Muhammad, F. & Sebai, S. (2022). The impact of real earnings management on corporate credit risk. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 21(5), 1171–1187. <https://doi.org/10.1108/JFRA-12-2021-0441>
- Hunjra, A. I., Naeem, H., Noor, A. & Saleem, A. (2016). Does corporate governance play role in firms performance? A comparative study of Pakistan, India and Bangladesh. *International Journal of Economics and Empirical Research (IJEER)*, 4(9), 450–464. <https://ssrn.com/abstract=3229746>
- Hunjra, A. I., Perveen, U., Li, L., Chani, M. I. & Mehmood, R. (2020). Impact of ownership concentration, institutional ownership and earnings management on stock market liquidity. *Corporate Ownership and Control*, 17(2), 77–87. <https://doi.org/10.22495/cocv17i2art7>
- Huse, M., Hoskisson, R., Zattoni, A. & Viganò, R. (2011). New perspectives on board research: Changing the research agenda. *Journal of Management and Governance*, 15(1), 5–28. <https://doi.org/10.1007/s10997-009-9122-9>
- Jensen, M. C. (1983). The modern industrial revolution, exit, and the failure of internal control systems. *The Journal of Finance*, 48(3), 831–880. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.1993.tb04022.x>
- Kao, L., Chiou, J. R. & Chen, A. (2004). The agency problems, firm performance and monitoring mechanisms: The evidence from collateralised shares in Taiwan. *Corporate Governance*, 12(3), 389–402. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8683.2004.00380.x>
- Kavoosi Kelashami, M. & Shalchi Tabrizi, S. (2018). Investigating the relationship between business strategies, market competition, and earnings management in the Iranian food and beverage industry. *Agricultural Economics and Development*, 26(104), 215–238. <https://sid.ir/paper/24544/fa> (in Persian)
- Laksmana, I. & Yang, Y. W. (2014). Product market competition and earnings management: Evidence from discretionary accruals and real activity manipulation. *Advances in Accounting*, 30(2), 263–275. <https://doi.org/10.1016/j.adiac.2014.09.003>
- Lemma, T. T., Negash, M. & Mlilo, M. (2013). *Determinants of earnings management: Evidence from around the world*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2370926>

- Leuz, C., Nanda, D. & Wysocki, P. D. (2003). Earnings management and investor protection: An international comparison. *Journal of Financial Economics*, 69(3), 505–527. [https://doi.org/10.1016/S0304-405X\(03\)00121-1](https://doi.org/10.1016/S0304-405X(03)00121-1)
- Lin, J. W. & Hwang, M. I. (2010). Audit quality, corporate governance, and earnings management: A meta-analysis. *International Journal of Auditing*, 14(1), 57–77. <https://doi.org/10.1111/j.1099-1123.2009.00403.x>
- Liu, B., Lin, Y., Chan, K. C. & Fung, H. G. (2018). The dark side of rent-seeking: The impact of rent-seeking on earnings management. *Journal of Business Research*, 91, 94–107. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2018.05.037>
- Mangala, D. & Singla, N. (2021). Do corporate governance practices restrain earnings management in banking industry? Lessons from India. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 21(3), 526-552. <https://doi.org/10.1108/JFRA-02-2021-0060>
- Markarian, G. & Santalo, J. (2014). Product market competition, information and earnings management. *Journal of Business Finance and Accounting*, 41(5/6), 572–599. <https://doi.org/10.1111/jbfa.12064>
- Mashayekh, S. & Esmaeili, M. (2006). Investigating the relationship between earnings quality and some aspects of corporate governance in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 13(45), 25-44. (in Persian)
- Meckling, W. H. & Jensen, M. C. (1976). Theory of the Firm. *Managerial behavior, agency costs and ownership structure*, 3(4), 305-360.
- Moradzadeh Fard, M., Nazemi Ardakani, M., Gholami, R. & Farzani, H. (2009). Investigating the relationship between institutional ownership and earnings management in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 16(55), 85-98. (in Persian)
- Nikoomaram, H. & Mohammadzadeh Salteh, H. (2010). The relationship between corporate governance and earnings management. *Productivity Management*, 4(15), 187–209. <https://sid.ir/paper/182147/fa> (in Persian)
- Nurmansyah, A. (2022). The effect of competition on earnings management with accounting conservatism as mediator. *International Journal of Research in Social Science and Humanities*, 3(4), 26–32. <https://doi.org/10.47505/IJRSS.2022.V3.4.3>
- Peasnell, K. V., Pope, P. F. & Young, S. (2005). Board monitoring and earnings management: Do outside directors influence abnormal accruals? *Journal of Business Finance and Accounting*, 32(7/8), 1311–1346. <https://doi.org/10.1111/j.0306-686X.2005.00630.x>
- Pittroff, E. (2014). Whistle-blowing systems and legitimacy theory: A study of the motivation to implement whistle-blowing systems in German organizations. *Journal of Business Ethics*, 124(3), 399–412.
- Saeed, M. B., Murtaza, Z. & Sohail, I. (2013). Corporate governance and firm performance: A study on moderating effects of firm size and leverage on the relationship between corporate governance and firm performance in banking sector of Pakistan. *Jinnah Business Review*, 1(2), 40–46. <https://ssrn.com/abstract=2447819>

- Saenz Gonzalez, J. & García-Meca, E. (2014). Does corporate governance influence earnings management in Latin American markets? *Journal of Business Ethics*, 121(3), 419–440. <https://doi.org/10.1007/s10551-013-1700-8>
- Safaei, M., Mahmoudi Darvishani, B. & Abbasi, A. (2017). Investigating the effect of corporate governance on earnings management and tax management in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6(23), 131–143. <https://sid.ir/paper/238116/fa> (in Persian)
- Saona, P., Muro, L. & Alvarado, M. (2020). How do the ownership structure and board of directors' features impact earnings management? The Spanish case. *Journal of International Financial Management and Accounting*, 31(1), 98–133. <https://doi.org/10.1111/jifm.12114>
- Shamseddini, K. & Nemati, M. (2021). Investigating the relationship between the stability of institutional ownership and earnings management considering the firm's financial leverage. *Accounting Knowledge*, 12(4), 155–177. doi: 10.22103/jak.2021.17123.3421 (in Persian)
- Shleifer, A. (2004). Does competition destroy ethical behavior? *American Economic Review*, 94(2), 414–418. <https://doi.org/10.1257/0002828041301498>
- Shojaei, M., Naeimi, R., Bakhtiari, F., Karami, A. & Sharifi, M. R. (2021). The role of corporate governance on reducing earnings management. *National Conference on Management and E-Commerce*. <https://sid.ir/paper/900887/fa> (in Persian)
- Wellalage, N. H. & Locke, S. (2013). Corporate governance, board diversity and firm financial performance: New evidence from Sri Lanka. *International Journal of Business Governance and Ethics*, 8(2), 116–136.
- Xie, B., Davidson, W. N. & DaDalt, P. J. (2003). Earnings management and corporate governance: the role of the board and the audit committee. *Journal of corporate finance*, 9(3), 295–316.
- Zamri, N., Rahman, R. A. & Isa, N. S. M. (2013). The impact of leverage on real earnings management. *Procedia Economics and Finance*, 7, 86–95.